

احسان سیفی^۱

کارشناس ارشد تاریخ، عضو باشگاه پژوهشگران جوان، دانشگاه آزاد واحد بجنورد

تحقیقی پیرامون وافدیهی اویراتیه

بزرگ‌ترین موج پناهندگان مغول به دولت ممالیک مصر

چکیده

در نیمه‌ی دوم سده‌ی هفتم هجری / سیزدهم میلادی تاریخ سیاسی ایران، دولت مغولی ایلخانان شکل گرفت. از همان آغاز مناسبات نه چندان دوستانه‌ی ایلخانان با همسایه‌ی غربی‌شان، دولت ممالیک مصر، باعث نضج‌گرفتن گروه‌های فراری و پناه‌جویی از جانب طرفین گردید. در این میان دسته‌هایی که از سمت قلمروی ایلخانان به سوی مصر می‌گریختند در منابع عربی با عنوان وافدیه و مستامنین معرفی شدند یکی از مهم‌ترین امواج پناه‌خواهان، وافدیه‌ی اویراتیه به سال (۶۹۵ هـ/ ۱۲۹۶ م) هستند. نوشتار حاضر بر آن است تا موضوع وافدیه‌ی اویراتیه را با هدف بررسی چگونگی عصبان، مخالفت، علل فرار و جایگاه و موقعیت این گروه در قلمرو ممالیک با بهره‌گیری از روش تحقیق تاریخی و نگاهی توصیفی و تحلیلی به این مقوله مورد بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی:

ایلخانان، ممالیک، وافدیه، اویراتیه، مناسبات خارجی

^۱ . Email: Seifi.ehsan@yahoo.com

پیش در آمد

با استقرار ایلخانان در ایران، مرزهای این قدرت تازه تأسیس با همسایگانش، شامل مغول و به جز مغول، زمینه‌ی بروز کشمکش و درگیری‌های متداوم در طول سالیان دراز بود. مناسبات مهم و متشنج ایلخانان و پیچیده‌ترین روابط خارجی آنان، در سرحدات غربی شان دنبال می‌شد. مهم و متشنج از آن جهت که همسایه‌ی غربی ایلخانان یعنی مملوکان مصر، در سرحدات خود نسبت به پیشروی‌هایی هر چند جزئی، از جانب این دولت نوپای مغولی، واکنش نشان می‌دادند.

بعد از استقرار هلاکوخان در ایران و شکست سهمگین مغولان در عین جالوت به سال ۶۵۸ هـ / ۱۲۶۰ م و مقاومت سرسختانه‌ی ممالیک در برابر اقدامات توسعه طلبانه‌ی ایلخانان، طولانی‌ترین روابط خصمانه بین طرفین به وجود آمد، به گونه‌ای که باعث استقرار و تداوم وضعیت جنگی بین دو حکومت به مدت شصت سال گردید علاوه بر لشکرکشی‌های گسترده، کینه‌ی ایلخانان نسبت به ممالیک مصر و بالعکس، به اشکال مختلف از جمله زد و خورد‌های محدود مرزی، ارسال نامه‌های تهدیدآمیز، اعزام جاسوس، رد و بدل کردن سفرا، تلاش جهت ایجاد اتحادیه‌های نظامی علیه رقیب و به ویژه پناه‌دادن به فراریان و پناهندگان تداوم یافت. این امواج قراری و پناه‌خواه در منابع عربی تحت عنوان واقدیه و مستأمنین، به معنای گروه‌های فراری و پناه‌خواه شناخته شده‌اند.

واقدیه و مستأمنین به سطوح وسیع سواره نظام ترک کرد یا مغول اطلاق می‌شود، که از ایران، عراق، آسیای صغیر و مکان‌های دیگر، به قلمروی ممالیک مهاجرت کرده و خواهان حمایت و به کارگیری از جانب سلطان مصر بودند (IRWIN, 1986: 51) این نیروهای گسترده، اعضای قبایل مغول، سپاهیان بومی مسلمان، امرای سلاجقه‌ی روم و اطرافیان آنها، ایوبیان جزیره، ترکمن‌ها، اعراب بدوی بادیه نشین، فراریانی از بغداد، سلجوقیان روم و قلمروی پیشین خوارزمشاهیان بودند. (irwin, 1986: 53) ؛ انصاری

قمی ، ۱۳۷۸: ۷۴)^۱ فراریانی که از قلموری تحت سلطه‌ی مغول‌ها به سمت ممالیکی مصر می‌گریختند تمایل داشتند به عنوان پناهنده به صورت سرباز و امیر، در واحدهای نظامی مملوکان به کار گرفته شوند.

از نکته‌های قابل توجه در باره‌ی رفت‌وآمد امواج فراریان و پناه‌جویان انعکاس حضور این گروه‌ها در منابع فارسی نوشته شده در قلمرو ایلخانی و منابع عربی نوشته شده در قلمروی ممالیکی می‌باشد در واقع بر خلاف شمار زیادی از منابع فارسی که نسبت به امواج پناهنده‌ی مغولی به دولت ممالیکی بی‌اعتنا بوده و بیشتر واقعه‌ی پناهنده‌شدن امرای ممالیکی و جزئیات مربوط به آن را ذکر کرده‌اند. منابع عربی به صورت نسبتاً کامل، گروه‌هایی را که از سمت ایلخانان به ممالیکی و بالعکس گریخته و پناهنده شده‌اند را مورد بررسی قرار داده‌اند. (همدانی، بی‌تا: ۷۷۰/۲؛ قاشانی، ۱۳۴۸: ۲۵۴؛ آقسرای، ۱۳۶۲: ۷-۶-۳-۲-۲۷۱؛ نویری، بی‌تا: ۱۰۶-۳۹۰-۷-۳۸۸۵، ۳۷۰۶-۳۴۲۲) ابن خلدون، ۱۳۶۸: ۷۸۷/۴ و ۱۰-۹-۷-۶-۵۹۴

در هر حال با به سلطنت رسیدن غازان‌خان در ذی‌الحجه‌ی سال ۶۹۴ هـ/ ۱۲۹۵ م (همدانی، بی‌تا: ۹۰۳/۲؛ خوافی، ۱۳۳۹، ۳۷۱/۱؛ مستوفی، ۱۳۷۷: ۱۳۴۵/۲) یکی از امواج برجسته و تأثیرگذار پناه‌خواه، در سال ۶۹۵ هـ / ۱۲۹۶ م، به سمت حدود و ثغور دولت ممالیکی مصر گریختند. این گروه در منابع عربی تحت عنوان وافدیة ی اویراتیة شناخته شده و معرفی گردیده‌اند. اهمیت خاص این دسته از پناه‌خواهان از جنبه‌های مختلف و تأثیرگذاری آنان بر جامعه مصر بسیار قابل توجه و در خور اعتنا است.

وافدیة ی اویراتیة (۶۹۵ هـ / ۱۲۹۶ م)

در زمان سلطنت غازان‌خان شاهد تحولی شگرف در حرکت وافدیة و مستأمنین مغول می‌باشیم. یک موج خاص از این گروه‌ها در طول سلطنت ایلخان مغول، در اواخر قرن هفتم هجری/ سیزدهم میلادی از قلمروی ایلخانان به سمت مرزهای ممالیکی مصر

۱- هم‌چنین یکی از پژوهشگران (انصاری قمی) وافدیة را به این صورت تعریف می‌کند: «تغییر و تحولات ناشی از به دست آوردن قدرت نزد مغولان موجب نزاع نظامی می‌شد که نتیجه‌ی آن چند پارگی جامعه‌ی قبیلگی مغولی و تقسیم آن به پیروزمندان و شکست خوردگان بود. از آن‌جا که پیروزمندان عموماً به عقب راندن گروه‌های شکست خورده می‌پرداختند. اینان با عشایر خود منطقه‌ی تحت نفوذ مغولان را ترک می‌کردند و به سوی لشکرگاه دشمن یعنی ممالیکی روی می‌آوردند آنها را «الوافدیة» می‌خواندند» ن.ک به قسمت ارجاعات

گریختند این دسته‌ی اخیر از موارد نادر فراریان و پناه جویان مغول به دربار ممالیک هستند. زیرا آنان جزو امواج وسیع و جالب توجه واقده‌ی مغول محسوب می‌شوند. نحوه‌ی شکل‌گیری این موج از فراریان به این صورت بود که گروهی موسوم به طایفه‌ی اویراتیه (اربدانیه) (بناکتی، ۱۳۴۸: ۳۶۴)^۱ به فرماندهی طوغای (طریغیه یا طوغای گورکان، شوهر دختر منکو تیمور پسر هلاکوخان) به سمت مصر فرار کردند و به سلطان زین‌الدین کتبغا پناهنده شدند (نویری، بی‌تا: ۳۸۸۵، ۳۴۲۲؛ ابن خلدون، ۱۳۶۸: ۶۰۷/۴-۶۰۶؛ همدانی، بی‌تا، ۹۱۹/۲؛ عسقلانی، ۱۴۱۴ ق - ۱۹۹۳ م: ۲۷۱/۳ - ۲۷۰؛ آشتیانی، ۱۳۸۴: ۲۷۱ - ۲۷۰) ورود این گروه از مغولان به شام در منابع عربی تحت عنوان «الوافدین العویراتیه» ذکر شده است (ابن الوردی، ۱۴۱۷ق: ۲۳۴/۲ - ۲۳۳) منوچهر مرتضوی این واقعه را تحت عنوان مشتعل‌گشتن آتش زیر خاکستر که همان خصومت دیرینه‌ی میان دولت ایلخانی و سلاطین مصر و شام می‌باشد بیان کرده است.

هر چند در گذشته برخی گروه‌های فراری و پناه‌جو به صورت خانوادگی و با خاندان خویش اقدام به عصیان و سرکشی می‌کردند، اما این گروه اخیر در زمره‌ی امواج برجسته‌ای است که به شکل طایفه‌ای و در مقیاس بسیار وسیع جمعیتی اقدام به فرار کرده‌اند.

چگونگی فرار اویرات‌ها به قلمروی ممالیک

طایفه‌ی اویرات به رهبری طراغای، قلمروی ایلخانان را به سمت سرزمین مصر ترک کرده‌اند بنا به گفته‌ی ابن خلدون، طراغای هنگامی که میان بغداد و موصل بود، «نزد کتبوغا کس فرستاد و اجازت خواست تا به او بپیوندد» ابن خلدون (۱۳۶۸: ۷۸۶/۴) کتبغا سلطان ممالیک، از شنیدن خبر مخالفت این گروه با ایلخانان و حضور آنان در مصر خوشحال شد، و خود را برای استقبال از آنان آماده کرد.

در هنگامه‌ی مکاتبات طراغای و سلطان کتبغا، ایلخان قدرتمند و تازه به تخت نشست در ایران نیز بیکار ننشست. غازان خان برای دستگیری طراغای و بزرگان قبیله‌ی

۱- بناکتی در خصوص پیوند نزدیک مغولان و اویراتیه ذکر می‌کند که چنگیزخان را هشت پسر بودو پنج دختر. جیجکان از دختران وی به زنی به تورایلجی کورکان پسر قونوقنه بیکی، پادشاه قوم اویرات داده شد.

اویرات، هشتادسوار را به فرماندهی یکی از سرداران خویش به نام قطغو، به تعقیب آنان فرستاد. (نویری، بی‌تا: ۳۸۸۵؛ ابن خلدون، ۱۳۶۸: ۶۰۷/۴-۶۰۶) ^۱ طرغای با امرایی که همراه وی بودند. (الوص، ککبای) متحد گشته و قطغو و همراهیان او را کشتند و از کنار فرات به سمت شام حرکت کردند (نویری، بی‌تا: ۳۸۸۵؛ همدانی، بی‌تا: ۹۱۹/۲ ابن الوردی، ۱۴۱۷ق: ۲۳۴/۲-۲۳۳) بعد از این ماجرا مغولان از دیار بکر به تعقیب این گروه از فراریان پرداختند. ولی با حمله‌ای که از سوی مخالفان انجام گرفت منهزم شدند. (ابن خلدون، ۱۳۶۸: ۶۰۷/۴-۶۰۶) با پیروزی موفقیت آمیز فراریان در مقابل مغولانی که از جانب غازان خان گسیل شده بودند راه از وجود مخالفات آنان هموار گردید و تمهیدات وصول این گروه برای رسیدن به مصر فراهم شد. سلطان مصر، ملک عادل کتبغا که اهمیت زیادی به کار این گروه از فراریان می‌داد. به نایب السلطنه‌ی دمشق، امیر علم الدین سنجر الدواداری (دواتدار) و هم‌چنین به امیر شمس‌الدین سنقرالاعسر و امیر شمس‌الدین قراسنقر منصوری در مصر و امیر سیف‌الدین حاج بهادر حاجب نوشت که برای ملاقات آنان آماده شوند (همو: ۴/ همان‌جا؛ نویری، بی‌تا: ۳۸۸۵) به هر ترتیب در روز دوشنبه بیست و سوم ربیع الاول سال ۶۹۵ هـ/ ۱۲۹۷م، این گروه پناه‌خواه به سرپرستی طرغای و به همراهی بزرگانی چون الوص و ککبای و هم‌چنین بزرگان طایفه‌ی اویراتییه که در مجموع ۱۱۳ نفر بودند، (Ayalon, 1951:100) ^۲ به دمشق رسیدند و در آنجا توقف کردند بنا به نوشته‌ی نویری در شام:

«نایب‌السلطنه سنجر دواتدار و امیران با آنان ملاقات کردند و به خاطر رسیدن این گروه جشن بزرگی برپا کردند. امیر شمس‌الدین قراسنقر به پیشواز آنان رفت و امیر سیف‌الدین حاج‌بهادر حاجب نیز به آنان توجه زیادی کرد تا این که به دربار سلطان رسیدند. امیران در احترام و نیکی به آنها مبالغه و زیاده‌روی کردند و به پناه‌خواهان هدایایی نیز داده شد» (۳۸۸۵، ابن خلدون، ۱۳۶۸: ۶۰۷/۴-۶۰۶)

۱- ابن خلدون ذکر می‌کند که غازان خان به طایفه‌ای از مغولان دستور داد تا راه را بر آن بگیرند.

۲- آیالون با توجه به دیگر منابع عربی تعداد آنان را ۱۱۳، ۲۰۰ یا ۳۰۰ نفر ذکر کرده است.

همان‌گونه که از مطالب بالا پیداست، گروه اولیهی فراریان کم تعداد بوده‌اند و بقیه‌ی پناه‌جویان با تأخیر و دسته‌دسته وارد شدند. این نکته با این گفته‌ی ابن خلدون تصدیق می‌شود که: «از پی آنان دیگر افراد قومشان به مصر در آمدند». (همو، همان‌جا)

تعداد و شمار وافدیهی اویرات

در واقع آنچه که بیش از هر چیز دیگر در خصوص این گروه از فراریان برجسته می‌نماید. تعداد و شمار جمعیت آنان است. بنا بر آنچه که نویری ذکر می‌کند تعداد این گروه بالغ بر هجده‌هزار نفر بوده است (۳۸۸۵) این در حالی است که رشیدالدین فضل‌الله ذکری از تعداد این گروه به میان نیاورده است و شمار آنان را با جمله‌ی «هزاره‌های اویرات» بیان می‌کند (بی‌تا: ۹۱۹/۲) که این خود می‌تواند نشان از جمعیت چندهزار نفری این گروه داشته باشد ممکن است مؤلف جامع التواریخ به سبب تعداد زیاد این گروه، ذکر حقیقی از شمار آنان را بیان نکرده باشد.

نویسنده‌ی کتاب مغول، جمعیت این موج از وافدیه را «قریب ده هزار نفر مغول از طایفه‌ی اویرات» ذکر کرده است (آشتیانی، ۱۳۸۴: ۲۷۱-۲۷۰) آیالون با استناد به چند منبع عربی شمار این گروه را ده یا هجده هزار نفر آورده است. (Ayalan, 1951:100; Ayalon, 1972:134-135)

علاوه بر تعداد و شمار جمعیتی وافدیهی اویرات، توجه به چگونگی کوچ و جابه‌جایی این چند هزار نفر در اواخر قرن هفتم هجری نیز قابل توجه است به نظر می‌رسد حرکت وسیع این موج با تلفات انسانی زیادی همراه بوده است. در این باره توجه به گفته‌ی ابن خلدون و نویری که «در راه جماعت کثیری از آنان مرده بود» (بی‌تا: ۳۸۸۶؛ ۱۳۶۸: ۶۰۷/۴-۶۰۶) نیز دارای اهمیت است تا جایی که می‌تواند از وفور جمعیت این گروه هنگام فرار به سوی مصر داشته باشد در واقع دشواری راه، مسافت طولانی، موانع موجود بر مسیر حرکت، زد و خورد با نیروهای مغولان، کمبود منابع و بسیاری دیگر از عوامل نیز می‌تواند در کم شدن جمعیت آنان مؤثر بوده باشد.

هر چند منابع بیان نکرده‌اند که آیا تعداد ذکر شده‌ی جمعیت وافدیه توسط آنان، گروه‌هایی هستند که فرار کرده‌اند. یا جماعتی بوده‌اند که به مصر رسیده‌اند. ولی با این حال اگر گروهی از پناه‌خواهان نیز در میانه‌ی راه از بین رفته باشند، می‌توان از تعداد

نفرات ذکر شده در منابع و مأخذ تا حد قابل توجهی کاست. به هر ترتیب به گمان می‌رسد عاملی جدی در تحریک این گروه‌ها برای فرار به سمت مصر وجود داشته که دشواری فرار و مهاجرت قومی و قبیله‌ای را به همراه چندین هزار نفر به ماندن در وطن و خانه و کاشانه برتری داده است.

علل فرار اویرات‌ها

به جز برخی کتب، تقریباً بیشتر منابع دلایل مشابهی را برای گریختن این گروه از پناهجویان ذکر کرده‌اند اما با توجه به آنچه که از منابع و مأخذ استنباط می‌شود به نظر می‌رسد که علل عصیان و مخالفت این گروه از فراریان از جنبه‌های سیاسی و مذهبی قابل بررسی باشد.

در تحلیل و بررسی فرار این گروه از پناهجویان از جنبه‌ی سیاسی و حکومتی، می‌توان دریافت که کینه‌ی غازان خان در انتقام گرفتن از طرغای و کشتن وی، بسیار مؤثر بوده است زیرا طرغای و پسرش بایدو در کشتن گیخاتو پسر عم غازان خان با هم متحد شده بودند و زمانی که غازان خان به پادشاهی رسید. طرغای از ترس انتقام تازه به تخت نشسته و نجات جان خود به سمت ممالیک فرار کرد. (نویری، بی‌تا: ۳۸۸۵، ۳۴۲۲؛ ابن خلدون، ۱۳۶۸: ۷۸۶/۴؛ آشتیانی، ۱۳۸۴: ۲۷۱ - ۲۷۰) هرچند این اقدام طرغای در کشتن گیخاتو می‌تواند به عنوان عاملی تأثیرگذار مدنظر قرار گیرد. اما به تنهایی برای فرار چندین هزار نفر اویراتیة مغول از سرزمین مادریشان قابل قبول نمی‌باشد. بنابراین ممکن است که فشارهای سیاسی دیگری نیز بر روی طایفه‌ی اویراتیة وجود داشته که آنان را وادار به فرار به سمت قلمروی ممالیک مصر کرده است.

در واقع به گمان می‌رسد بررسی فشارهای سیاسی وارده بر اویراتیة و در نتیجه‌ی آن گریختن این موج از وافدیه‌ی مغول، بدون تشریح زوایای مختلف تحرکات آنان (به خصوص در مناطق تحت تسلطشان و اقدامات ایشان در آن نواحی) مقدور نباشد.

فاروق سومر در این باره آورده است که:

«منطقه‌ی آناتولی شرقی، پس از هلاکوخان به دو ایالت

مهم نظامی تقسیم شده بود یکی از آن دو ایالت دیار بکر

بود که مرکز آن موصل، و شام دیار بکر، موصل و ماردین می‌شد و ایالت دیگر که مرکز آن اخلاط بود منطقه‌ی وان بود. اکثر تومان‌های (فرماندهان ده هزار نفر) نظامی مغول‌های ایالت دیار بکر را منتسب به قبیله‌ی اویرات تشکیل می‌دادند» (سومر، ۱۳۶۹: ۴۷/۱)

رابرت ایروین نیز در این باره ذکر می‌کند که چراگاه گله‌های گروه‌های اویراتی‌ها قبلاً در دیار بکر بوده است^۱ (irwin, 1986: 91; مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۶۱-۱۵۶) بنابراین مشخص می‌شود که طایفه‌ی اویراتی‌ها، جنب‌وجوش و تحرکات قابل توجهی را در مناطق وسیع دیار بکر انجام می‌داده‌اند. زیرا همان طور گونه که آمده هم به عنوان فرماندهان نظامی آن مناطق مشغول به فعالیت بوده‌اند و هم در راستای اداره‌ی امور اقتصادی زندگی و فعالیت‌های دامداری‌شان، آن مناطق را به عنوان چراگاه مال و احشام خود انتخاب کرده بودند.

به گمان می‌رود یکی از تحرکات و عصیان‌های طایفه‌ی اویراتی‌ها در ناحیه دیار بکر که موجب تشدید فشار سیاسی غازان خان بر ایشان و فرار آنها به مصر شده بود، هجوم آنان به ترکمن‌های همسایه‌ی آن نواحی بوده است. نویسنده‌ی کتاب قراقویونلوها در این باره آورده است:

«طایفه‌ی اویراتی‌ها که زمستانها را در موصل می‌گذراند با استفاده از مجادلات غازان و بایدو به ترکمن‌های همسایه‌ی خود هجوم برده و مقادیر فراوانی از گوسفند، گاو، شتر، اسب و استرهای آنان را به دست آوردند بعد از این که غازان خان به سلطنت می‌رسد، دستور باز پس دادن احشام ترکمن‌ها را به اویرات‌ها صادر می‌کند ولی

۱- مستوفی در نزهة القلوب در باره‌ی دیار بکر و نواحی متعلق به آن آورده است: «در صورالاقالیم آن را جزیره خوانده است. بیست و نه شهرست و گرمسیر و حدودش با ولایات روم و ارمن و شام و کردستان و عراق عرب پیوسته است و شهر موصل دارالملک آنجاست» وی هم‌چنین مناطق مشتمل بر آن را بدین شکل ذکر می‌کند که عبارتند از: موصل، اربیل، آمد، باصیده، باظرنوح، برطلی، بوازیح، جار، جزیره، حانی و سیلوان، حران، حصن کیفا، خابور، رقه، رها، ساعر، سوق ثمانین، عقر، عمادیه، قرقیسیا، کرکلیس، موش، نینوی و ...

چون اکثر احشام ربوده شده از بین رفته بودند، اویرات‌ها از قبول آن خودداری کردند که همین امر موجب شد تا تحت فشار زیادی قرار بگیرند و با واکنش بس ناپسند ترکمن‌ها و مأمورانی که از مرکز اعزام شده بودند. روبه‌رو گشتند. به همین سبب بخش مهمی از اویرات‌ها که مأموران دولت و ترکمن‌ها را به قتل رسانده بودند همراه خانواده‌های خود وارد سوریه شده و به دولت مملوک‌ها پناهنده شدند در این هنگام مولای نویان، از کویین تاتار (قراتاتارها) والی دیار بکر بود وی به اتفاق یسوتای و گوگتای بهادر با این‌که از پشت سر توکای گورگن (طوغای گورکان) امیر اویرات‌ها فرا رسید، ولی شکست خورد و موفق به جلوگیری از ورود آنها به سوریه نگردید» (سومر، ۱۳۶۹: ۴۸/۱-۴۷)

بنابراین هجوم اویراتییه به ترکمن‌ها و مقابله با اقدامات سیاسی غازان‌خان از جمله مأموران دولتی فرستاده شده از جانب وی و به قتل رساندن آنان، از دیگر عوامل سیاسی گریختن این دسته از وافدیه به سمت مصر بوده است.

اما بررسی مخالفت و فرار اویرات‌ها به لحاظ مذهبی نیز از جانب برخی از پژوهش‌گران مورد توجه قرار گرفته است تغییر کیش غازان‌خان نه تنها یکی از اقدامات برجسته‌ی سیاسی و مذهبی در دوران سلطنت وی محسوب می‌شود بلکه از مهم‌ترین تحولات حکومت ایلخانان نیز به شمار می‌آید، با این اقدام غازان‌خان جامعه‌ی ایلخانی دچار تغییرات اساسی و بنیادین گردید دگرگونی که جنبه‌های مختلف حکومت ایلخانان اعم از اجتماعی، سیاسی، مذهبی و حتی نظامی را تحت تأثیر قرار داد البته این طبیعی بود که عده‌ای از غازان‌خان را در این تغییرات همراهی نکرده و دست به مخالفت جدی با این اقدام وی زدند و با او به مقابله پرداختند (عباسی، بی‌تا: ۹۶).

به عبارت دیگر با اسلام‌گروی غازان‌خان در چهارم شعبان سال ۶۹۴ هـ/ ۱۲۹۵ م (همدانی، بی‌تا: ۹۰۳/۲؛ خوافی، ۱۳۳۹، ۳۷۱/۱، مستوفی ۱۳۷۷: ۱۳۴۵/۲؛ آمیتای پرایس ۱۳۷۷: ۲۹؛ ترکمنی آدر بی‌تا: ۱۳۵؛ بارانی، ۱۳۸۱: ۶۶-۳۲) مخالفت گروه‌های مختلف مغولی و چنگیزخانی علیه

ایلخان آغاز گردید یکی از این گروه‌ها همین اویرات‌ها بودند که بنا به گفته‌ی نویری «بر دین کفر بودند و ماه رمضان می‌خوردند و ذبح شرعی نمی‌کردند» (نویری، بی‌تا: ۳۸۸۵) رابرت ایروین درباره‌ی تأثیر اسلام‌پذیری غازان‌خان در گریختن اویراتیه آورده است: «ممکن است کافران اویراتیه در نتیجه‌ی اعلام تغییر کیش‌غازان به اسلام فرار کرده باشند این اقدام غازان‌خان باعث آزار مسیحیان، بودایی‌ها و دیگران در قلمروی ایلخانان نیز شده بود» (Irwin, 1986:91)

با این همه، در نتیجه‌ی چند عامل مشخص می‌شود که فرار اویرات‌ها به خاطر مسلمان‌شدن غازان‌خان نبوده است نخست این‌که غازان‌خان در سال ۶۹۴ هـ، اسلام‌پذیرفت و فرار اویرات‌ها با تأخیر یک ساله پس از آن صورت گرفت. این امر نشان‌دهنده‌ی عدم تأثیرگذاری اسلام‌پذیری غازان‌خان در فرار آنان می‌باشد دوم این‌که وافدیه‌ی اویرات نزد ممالیک اسلام را پذیرفتند (نویری، بی‌تا: ۳۸۸۶) بنابراین مشخص می‌شود آنان اسلامی را که غازان‌خان بدان روی آورده بود را قبول نداشتند. در همین زمینه و درست به همین سبب، نگارنده معتقد است؛ عوامل اقتصادی و سیاسی نقش مهم‌تری را در فرار اویرات‌ها دارا هستند.

محل استقرار اویرات‌ها در قلمرو ممالیک

این گروه از فراریان و پناهجویان در مناطق خاصی اسکان داده شدند عده‌ای از آنها به سمت سواحل شام برده شده و در منطقه‌ای به نام عثلیث مستقر شدند، و برخی دیگر نیز توسط امیر علم‌الدین سنجرالدواداری در نزدیکی ناحیه‌ی مرج سکنی گرفتند (همو: همان جا) آیالون ذکر می‌کند جدا از بزرگانی که به همراه طرغای در مصر ساکن شدند بقیه‌ی قبیله به همراه دام و احشام و گاو و گوسفندان خود به مناطق ساحلی فرستاده شدند و در «عثلیث» و حواشی آن ساکن شدند و علاوه بر این تعدادی نیز در ناحیه‌ی «فاقون» و «البقاع» در جنوب شام ساکن شدند. (Ayalon, 1951:100)

نکته‌ی جالب توجه در مورد برخورد مصریان با این گروه این است که آنان در راه رسیدن به محل سکونت شان در ساحل دریا و در حین عبور از نواحی مختلف از وارد

شدن به شهرها منع شده بودند تا جایی که برای خرید و فروش بازارها را به سوی آنها می‌بردند و فروشندگان به بیرون از شهر نزد آنان می‌رفتند. با توجه به این موارد ذکر چند نکته درباره‌ی نحوه‌ی سکونت این گروه‌ها ضروری می‌نماید: اول این که به نظر می‌رسد افراد عادی و عامه‌ی ایل را در مناطقی دور از مراکز اصلی مانند شام و دمشق اسکان می‌دادند تا خطر ساز نشوند در درجه‌ی دوم به خاطر تعداد زیاد این گروه از وافدیه اگر قرار بود تمامی آنها در داخل شهر ساکن شوند حتی یک شورش کوچک هم باعث به وجود آمدن دردسری جدی برای ممالیک می‌شد از این رو ممالیک سعی کردند تا حد امکان مغولان را دور از شهرهای اصلی سکونت دهند سوم این که مصریان هر کس از آنها را که باقی مانده بود در سپاه به کار گرفتند و در سرزمین‌های اسلامی پراکنده می‌کردند شاید پراکندگی این گروه‌ها در سرتاسر قلمروی مصر و حتی سواحل شام نیز نشان از ترس ممالیک به خاطر عصیان و مخالفت احتمالی آنان و تأییدی بر کثرت تعدادشان باشد.

نفوذ اویرات‌ها در ارکان دولت مملوکان مصر

ورود و نفوذ اویرات‌ها به سرزمین ممالیک، جدا از تمامی تبعات سیاسی و اقتصادی و سایر مسایل، مصر را با خطر مغولیزه شدن مواجه ساخت. زیرا ترکیب این شماره گسترده‌ی جمعیتی در میان ممالیک به غیر از تخیط نژادی و قبیله‌ای، تبعات خاص و فرهنگی و اجتماعی را نیز به همراه داشت با ورود این گروه از پناه‌خواهان دو نکته‌ی اصلی، برجستگی بیشتری پیدا می‌کند یکی این که ایلیخانان به شدت با کمبود نیرو و امیران و جنگجویان نظامی مواجه می‌گشتند و دوم این که در جهت عکس این قضیه ممالیک به لحاظ نیروی نظامی و سپاهی به خوبی تقویت می‌شدند.

بنا به گفته‌ی این خلدون مغولان این گروه کم کم در دولت مملوکان نفوذ کردند و:

«ترکان با ایشان در آمیختند اسلام آوردند فرزندان‌شان

را در امور دولتی استخدام کردند و به ایشان زن دادند و از

ایشان زن گرفتند.» (۱۳۶۸: ۶۰۷/۴-۶۰۶)

در همین جمله‌ی کوتاه ابن خلدون، تأثیرات وسیع امواج وافدیه‌ی اویراتیه به خوبی مشخص می‌شود. اسلام‌پذیری این گروه به کارگیری فرزندان آنان در امور دولتی مصر و به وجود آمدن پیوندهای سببی میان طرفین نشان از مخلوط شدن عمیق امواج وافدیه در میان ممالیک مصر دارد.

نویری نیز در باره‌ی به کارگیری این گروه‌ها ذکر می‌کند که:

«امرا فرزندان جوان آنها را برای خدمت کردن در اختیار گرفتند آنان از زیباترین مردم بودند و سربازان با دختران آنها ازدواج کردند و بقیه‌ی آنها برای ممالیک خدمت می‌کردند» (بی‌تا، ۳۸۸۶)

بنابراین گروهی از آنها نیز علاوه بر خدمت در سپاه و ارتش و مقام‌های مختلف، به عنوان خدمت‌گذار در دیگر جاها مشغول به فعالیت شدند نکته‌ی آخر در مور وافدیه‌ی اویرات این که شاید آنان باعث سقوط سلطان مصر، ملک العادل کتبغا از سلطنت شدند کتبغا که مملوک مغول الاصل قلاوون بود خود را به عنوان عضو کوچک و نماینده‌ی دینفع وافدیه معرفی کرد و همین امر باعث شد تا رقیب او لاجین حمایت نخبگان و برگزیدگان مملوکان را جهت مقابله با وی و نفوذ وافدیه به دست آورد (Daly Petry, 1988: 258-259) و در نهایت مقدمات عزل وی از سلطنت را فراهم آورد.

نتیجه‌گیری

قابل توجه‌ترین مسأله در باره‌ی فراریان و پناه‌جویان اویراتیه گستره‌ی جمعیتی و به تبع آن تأثیرات غیرقابل انکار و همه‌جانبه آنان بر جامعه‌ی مصر می‌باشد. این پژوهش بر آن بود که برجسته‌کردن هر چه بیشتر شمار هجده هزار نفری این موج را پناه‌خواهان، پیامدهای خاص حضور این گروه از فراریان را مورد تأکید قرار دهد.

در واقع رهاورد اصلی و اساسی حضور وافدیه‌ی اویراتیه در قلمرو ممالیک مصر را می‌توان از یک سو افزایش تعداد مغولان در میان مملوکان ممزوج شدن فراریان در میان گروه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی مصر، راه یافتن آنان به رده‌های قابل توجه نظامی و اداری ممالیک، پیوندهای زناشویی به وجود آمده میان طرفین، نفوذ مغولان در امور ارتشی و سپاهی و نکته‌های بسیار قابل توجه دیگر دانست و از سوی دیگر به وجود

آمدن برتری نفری نظامی و ارتشی و به سود ممالیک، رخنه کردن اطلاعات خاص کشوری و حکومتی مغولان به نفع ممالیک استفاده از تمامی تخصص و هنر فراریان در مصر و بسیاری دیگر از امتیازات نیز به نفع ممالیک مصر تمام شد.

در هر حال آن چه که به عنوان گفتار محوری پژوهش حاضر قابل توجه است حضور تأثیرگذار وافدیة ی اویراتیة در عرصه ی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و نظامی ممالیک مصر است در واقع حضور این موج از پناه جویان در سرزمین مصر، بیش از هر چیز، بیان گر این مطلب است که بررسی روابط چندین ساله ی ایلخانان و ممالیک، بدون در نظر گرفتن نقش این گروه‌های فراری در تکوین و تداوم این مناسبات، کامل و دقیق نمی‌باشد به عبارت دیگر به جرأت می‌توان بیان کرد که حضور این گروه از فراریان بر ابعاد مختلف مناسبات طرفین، تأثیری مستقیم و انکارناپذیر داشته و از همین جهت توجه به این مقوله دارای اهمیت فراوانی است.

فهرست منابع و مآخذ:

۱. آقسرائی، محمود بن محمد: تاریخ سلاجقه یا مسامره الاخبار و مسایره‌الاخیار، به اهتمام و تصحیح عثمان توران (بی‌جا، اساطیر، ۱۳۶۲، چاپ دوم)
۲. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد: العبر (تاریخ ابن خلدون)، ترجمه ی عبدالمحمد آیتی، (بی‌جا، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۶۸، چاپ اول)
۳. بناکتی، فخرالدین ابو سلیمان داود بن تاج الدین ابوالفضل محمدبن داود: تاریخ بناکتی (روضه اولی الالباب فی معرفه التواریخ و الانساب) به کوشش جعفر شعار، (تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۸، بی‌چاپ)
۴. خوفی، فصیح‌احمد بن جلال‌الدین: مجمل فصیحی، به تصحیح و تحشیه ی محمود فرخ، (مشهد، طوس، ۱۳۳۹، بی‌چاپ)
۵. کاشانی، ابوالقاسم عبدالله بن محمد: تاریخ اولجایتو (تاریخ پادشاه سعید غیاث الدنیا و الدین اولجایتو سلطان محمد طیب الله مرقدہ) به اهتمام مهین همبلی (تهران، نگاه نشر و ترجمه کتاب ۱۳۴۸، بی‌چاپ)
۶. مستوفی: ظفرنامه ی منظوم، به کوشش نصرالله رستگار، (تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷، بی‌چاپ، چاپ عکسی)
۷. مستوفی: زهه القلوب با مقابله و حواشی و تعلیقات و فهارس، به تصحیح و تحشیه ی سید محمد دبیر سیاقی، (قزوین، حدیث امروز، ۱۳۸۱، چاپ اول)

۸. همدانی، رشیدالدین فضل‌الله: جامع التواریخ (از آغاز سلطنت هلاکوخان تا پایان دوره‌ی غازان‌خان) به کوشش بهمن کریمی، (تهران، اقبال، بی‌تا، بی‌چاپ)

تحقیقات جدید:

۱. اقبال آشتیانی: تاریخ مغول از حمله مغول تا تشکیل دولت تیموری (تهران امیرکبیر ۱۳۸۴، چاپ هشتم)
۲. سومر، فاروق، قراقریونلوها، ترجمه‌ی وهاب ولی، (تهران، مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی ۱۳۶۹ بی‌چاپ)
۳. مرتضوی، منوچهر: مسائل عصر ایلخانان، (تهران، مجموعه‌ی انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات محمود افشار یزدی، ۱۳۸۵، چاپ اول)

مقالات:

۱. آمیتای - پرایس، روون. «غازان، اسلام و سنت مغول از دید سلاطین مملوک»، ترجمه‌ی غلامرضا وطن دوست و رضا دهدشتی، فصلنامه‌ی پژوهش‌های تاریخی، دوره‌ی جدید شماره‌ی ۱ و ۲ (پاییز و زمستان ۱۳۷۷)
۲. انصاری قمی حسن، «قدرت و مشروعیت در دوره‌ی ایلخانان مغول» معارف شماره‌ی ۳ (دوره‌ی شانزدهم) آذر - اسفند ۱۳۷۸
۳. ترکمنی آذر، پروین. «موقعیت شیعیان ایران در دوره‌ی ایلخانان» پژوهش‌نامه‌ی علوم انسانی شماره ۳۱ بی‌تا

منابع عربی:

۱. النوبری: نه‌یاه العرب فی فنون الادب (به نقل از سایت الوراق WWW.al-warag.net)، (۲۰۰۸/june/۱)
۲. ابن الوردی، زین‌الدین عمر بن مظفر: تاریخ ابن الوردی (بیروت، دارالکتب العلمیه ۱۴۱۷ ق، بی‌چاپ)
۳. ابن حجر عسقلانی، شیخ‌الاسلام حافظ العصر شهاب‌الدین احمد بن علی بن محمد بن علی بن احمد: الدور الکامنه فی اعیان المائه الثامنه، سفر الثالث (بیروت، دارالجلیل، ۱۴۱۴ هـ / ۱۹۹۳ م)

منابع لاتین:

1. Ayalon, David. "the great yasa of changiz khan". (A Yecymination-part c1). Studia Slamica. No 36.1972.
2. Ayalon, David. "the wafidiya in the mamluk kingdom". Hyderabad, deccan. 1951
3. Amitoj - preiss, veuren. Mongols and mamluks: the mamluk- Ilkhanid war. 1261-1281, Cambridge, 1995.
4. Damascus, 1190-1350. Cambridge university press, 1094 Daly, M.W-Petry, Carl F. the Cambridge history of egypt: Modern Egypt, ffrom 1517 to the end of the twentieth, combridge university press, 7988
5. Thar-el, shai, struggle for dominotion in the middle ecest: the of toman-mamluk. War 1458-91, brill, 1995.
6. Irwin, Robert. The middle east in the middle ages: the early mamluk sultanate. 1250-1382, Routledge, 1986.
7. Rabbat, Nasser O. the citadel of cario: anew interpretation of voyal mamluk anchitecture. Brill, 1995.